



## A Critique of the Perspective of Alam Sabeet Nili on Identifying the Correct Quranic Recitation (Qira'at)\*

Muntazir Albayati<sup>۱</sup> and Alireza Qaiminia<sup>۲</sup> and Seyyed Hamid Jazairi<sup>۳</sup>

### Abstract



Quranic Recitation (Qira'at) is the most important key to accessing the treasury of Quranic knowledge. However, after the Prophet Mohammad (peace be upon him), differences in Quranic recitations (Qira'at) increased, and experts in Quranic sciences presented various rules for finding the correct recitation (Qira'at). Among them, Alam Sabeet Nili, a Shiite scholar and Quranic researcher from Iraq, attempted to use phonetics, an intentional approach, and Quranic interpretation to refute the existence of synonymous and univocal in the Quran. He considered any determination or omission of words or changes in the word order in verses as indicative of a change in meaning and divine intent. He introduced a textual criterion for identifying the correct recitation (Qira'at). However, his views on identifying the correct Quranic recitation (Qira'at) are problematic, such as proposing the correct recitation (Qira'at) before examining various recitations (Qira'at) and mixing the establishment of one recitation (Qira'at) in the current Mushaf with preferring one recitation (Qira'at) over others. This article, using a descriptive-analytical and library-based approach, critiques and examines Nili's criterion in this regard, emphasizing that one of the criteria for identifying the correct Quranic recitation (Qira'at) is the use of intra-textual relationships, including word co-occurrence, melody, and coherence of verses..

**Keywords:** Alam Sabeet Nili, Quranic System, Recitations (Qira'at), Intentional Approach, Criterion for Identifying the Correct Quranic Recitation (Qira'at).

---

\*. **Date of receiving:** ۲۶ November ۲۰۲۲, **Date of approval:** ۴ June ۲۰۲۳.

<sup>۱</sup>. Ph.D. Candidate in Comparative Interpretation, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (Corresponding Author); (bayatiuni@gmail.com).

<sup>۲</sup>. Associate Professor and Faculty Member at the Research Institute of Islamic Culture and Thought, Qom, Iran; (qaiminia@yahoo.com).

<sup>۳</sup>. Associate Professor and Faculty Member at Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (quran.olum@chmail.ir)

## نقد دیدگاه عالم سبیط نیلی در تشخیص قرائت صحیح قرآن \*

منتظر البیاتی<sup>۱</sup> و علیرضا قائمی نیا<sup>۲</sup> و سید حمید جزائری<sup>۳</sup>



### چکیده

قرائت قرآن مهمترین کلید ورود به خزانه معرفت قرآن است. لکن پس از پیامبر ک اختلاف قرائات به فزونی رفت و متخصصان علوم قرآنی برای یافتن قرائت صحیح قواعد مختلفی را ارائه کردند. در این میان عالم سبیط نیلی متفکر و قرآن پژوه شیعه عراقی، تلاش نمود با استفاده از واج شناسی، رویکرد قصدگرایی و تفسیر قرآن به قرآن، وجود ترادف و مشترک لفظی در قرآن را نفی کند و هرگونه تقدیر یا حذف الفاظ یا تغییر ترتیب واژه‌ها در آیات را بیانگر تغییر معنا و مقصود الهی داند و معیار دورن متنی را برای تشخیص قرائت صحیح ارائه نماید. لکن سخن او در خصوص تشخیص قرائت صحیح قرآن دارای اشکالاتی است؛ مانند: پیشنهاد قرائت صحیح پیش از بررسی قرائات مختلف، خلط میان تثبیت یک قرائت در مصحف کنونی با ترجیح یک قرائت بر قرائات دیگر. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای، به نقد و بررسی معیار نیلی در این زمینه می‌پردازد، و بیان می‌کند که یکی از معیارهای تشخیص قرائت صحیح قرآن، استفاده از روابط درون متنی، از جمله همنشینی واژه‌ها، نغمانگ و پیوستگی آیات است.

واژگان کلیدی: عالم سبیط نیلی، نظام قرآنی، قرائات، قصدگرایی، معیار تشخیص قرائت صحیح قرآن.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۱۴.

۱. دانش پژوه دوره دکتری تفسیر تطبیقی. جامعه المصطفی ص العالمیه. قم، ایران؛ «نویسنده مسئول»: (bayatiuni@gmail.com).

۲. دانشیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران؛ (qaemini@yahoo.com).

۳. دانشیار و عضو هیات علمی جامعه المصطفی ص العالمیه، قم، ایران؛ (quran.olum@chmail.ir).

## مقدمه

قرآنت قرآن مهم ترین کلید ورود به خزانه معرفت قرآن است و نظام لفظی یک پارچه آن همان گونه که قواعدی را پیش روی قرآن پژوه برای چگونگی حرکت در میان آیات می گذارد، نشانه هایی را نیز برای کشف قرائت صحیح خود ارائه می دهد؛ زیرا ظاهر قرآن حکم و باطنش علم است؛ ظاهرش جلوه و زیبایی دارد و باطنش ژرف و عمیق است و ستارگانی دارد و ستارگانش هم ستارگانی دارد، شگفتی هایش بی شمار و عجایبش کهنه نگردد (کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۵۹۸) و این ستارگان نشانه هایی درونی و بیرونی برای فهم آیات هستند.

پس از زمان پیامبر ک قرائت هایی مختلفی از قرآن به وجود آمد؛ اهل سنت در توجیه این قرائت به احادیث نزول قرآن بر سبعة احرف استناد کردند. در مقابل شیعیان قائل بر نزول قرآن بر یک حرف شدند؛ اما اهل بیت β همه را به قرائت توده مردم مکلف نمودند. در این میان رویکرد غالب بر منابع تفسیری و قرائت در دوره های مختلف، نقل اختلاف قرائت و توجیه نحوی آنها بوده است. افزون بر آن معیار ترجیح قرائت، ملاک هایی بیرون متنی مانند: موافقت با رسم المصحف عثمانی، شهرت قاری، صحت سند و غیره بود و گاهی نیز با بیان ملاک های درون متنی به توجیه قرائت های مختلف می پرداختند.

در این میان عالم سبیط نیلی (۱۹۵۶-۲۰۰۰م) متفکر و قرآن پژوه شیعی عراقی، تلاش نمود قواعدی علمی برای مباحث تفسیری و معناشناسی قرآن ارائه دهد. او معتقد است قرآن دارای نظام لفظی یک پارچه است و قرآن پژوه باید تسلیم این نظام هندسی باشد و بر اساس آن حرکت کند تا بتواند اسرار قرآنی را کشف نماید؛ درست مانند دانشمندان علوم طبیعی که در جستجوی اسرار طبیعت هستند و همواره داده های خود را با توجه به کشفیات خود تصحیح می کنند و پیش فرض های خود را بر نظام طبیعت القاء نمی کنند (نیلی، ۱۴۲۷: ص ۱۲)؛ زیرا هنگامی که گوینده از چیزی سخن می گوید، تلویحا از مفاهیم ذهنی خویش نیز سخن گفته است. قرآن کریم نیز کلام و گفتار خداوند متعال است و کلام خدا تجلی دیگری از خلقت منظم او و بیانگر دیدگاه الهی نسبت به جهان و هستی است (ر.ک: نیلی، اللغه الموحده، ۲۰۰۸: ۷۹-۸۰) و خداوند حکیم در کلام خود مانند سایر خلقت و آفرینشش، نظم و نظام مستحکمی گسترانیده است؛ به طوری که واج ها و واژه ها و ترتیب چیش آنها در آیات، جزئی از این نظام هستند. در هر موضعی مفسر دچار سوء فهم شود، این فهم نادرست، سایر معانی قرآنی را نیز تحت الشعاع قرار خواهد داد و باعث کج فهمی در مفاهیم قرآنی خواهد شد (ر.ک: نیلی، ۱۴۲۷:

۱۴ و ۱۵ و ۳۹). او شش قاعده را پیش روی مفسر قرآن قرار می‌دهد تا به واسطه آن به کشف معارف الهی در قرآن بپردازد (همان: ۳۳-۳۷). قواعد شش‌گانه عبارت‌اند از:

۱. استقلال تمام واژه‌ها، و نفی ترادف؛
۲. نفی تعدد معانی برای یک لفظ (نفی مشترک لفظی)؛
۳. ممنوعیت تقدیر یا حذف واژه‌های موجود در جمله‌ها؛
۴. ابطال تغییر ترتیب واژه‌ها در جمله‌ها؛
۵. ابطال مجاز و تشبیه استعاری و کنایه و ابطال اعتقاد به ایجاز و اطناب در آیات قرآن؛
۶. ابطال تعدد قرائات در قرآن.

این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و کتابخانه‌ای، به بررسی ششمین قاعده نیلی خواهد پرداخت و به دنبال پاسخ به این سؤال است که: معیار عالم سبیط نیلی در تشخیص قرائت صحیح قرآن چیست؟ در میان کتاب‌ها و مقالات مختلف، تنها یک مقاله عربی با عنوان: «القرائات القرآنية فی ظل منهج اللفظی عند عالم سبیط النیلی» است که توسط استادیار دانشگاه بصره، دکتر حسین عوده هاشم، به نگارش در آمده و مرتبط با موضوع این مقاله است. این مقاله در مجله «ابحاث البصرة العلوم الانسانية»، شماره ۳۷، عدد ۲، صفحه ۳۷-۵۰، سال ۲۰۱۴ به چاپ رسید. ایشان در این مقاله پس از مقدمه و معرفی شخصیت نیلی، به بیان قواعد شش‌گانه پرداخته و قاعده ابطال تعدد قرائات او را مورد بررسی و نقد قرار داده و نتیجه گرفته که از نظر نیلی، آنچه در مصاحف مطبوع کنونی در دسترس است صحیح نبوده و قرائت صحیح فقط آن است که منطبق با نظام قرآنی باشد. لکن در این مقاله به انواع اختلاف قرائات، عوامل پیدایش آن، گستره تاریخی جغرافیایی قرائات و دیگر معیارهای تشخیص قرائت صحیح اشاره‌ای نشده و نویسندگان تنها به نقد و بررسی سخن ناقص نیلی در خصوص قرائات پرداخته است.

در مقاله پیش رو سعی بر آن است، سخن نیلی در خصوص ابطال تعدد قرائات بازخوانی گردد و نواقص یادشده در مطالب فوق و نواقص نظریه نیلی در بررسی معیار قرائت صحیح جبران شود تا تصویر درستی از معیار او در تشخیص قرائت صحیح ارائه گردد.

## الف. مفهوم شناسی قرائت

قرائت از مصدر قرأ، و جمع آن قرائات می‌باشد. برخی معنای آن را جمع کردن و گردآوری دانسته اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۸/۱)؛ برخی دیگر گفته اند: قرائت به معنای انداختن، اسقاط و القا می‌باشد. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۷۸/۱)؛ و عده‌ای آن را به معنای تلاوت و خواندن (جفری، ۱۹۷۲: ۲۸۲)؛ یا به معنای جمع و ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر در وقت تلاوت تعریف کرده‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۷۸/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۸/۵) به نظر می‌رسد معنای واژه قرأ با توجه به واج‌های (ق ر ء) یعنی ایجاد حرکتی مقصود همراه با تکرار و توسعه آن در زمان و مکان؛ و به تبع آن قرائت یعنی ضمیمه کردن مستمر حروف و کلمات با یکدیگر به منظور بیان مقصودی معین و انتشار آن در زمان و مکان به واسطه صوت.

قرآن پژوهان معنای اصطلاحی قرائت را تنیده شده در معنای علم قرائت دانسته و معتقدند: «قرائت علمی است که در خصوص کیفیت ادای کلمات قرآن و اختلاف نطق میان قاریان، بر مبنای روایات مربوطه بحث می‌کند» (ابن جزری، ۱۹۴۵: ۹/۱) یا «علم قرائت علم چگونگی ادای واژگان قرآن و اختلاف آنها همراه با انتساب به ناقل آن خواننده می‌شود» (دمیاطی، ۱۴۲۲: ۳/۱). آیت‌الله معرفت می‌نویسد: «قرائت عبارت است از تلاوت وحی الهی به حسب اجتهاد یکی از قراء معروف، بر پایه اصول معینی که در علم قرائت مشخص شده است» (معرفت، ۱۳۸۷: ۸۵). به خواندن قرآن همانند قرائت و تلاوت پیامبر k یا به گونه‌ای که مورد تأیید آن حضرت باشد، قرائت صحیح گفته می‌شود. مقصود از قرائت در این مقاله عبارت است از: تلاوت وحی الهی؛ علم قرائت یعنی: علم چگونگی ادای واژگان قرآنی بر حسب تلاوت قاریان مشخص. و قرائت صحیح نزدیکترین قرائت به قرائت پیامبر k می‌باشد.

## ب. عوامل اختلاف قرائات

نبیلی پس از اشاره به برخی گزارش‌های تاریخی در خصوص مخالفت قرآن با اسلوب عرب، معتقد است، تنها دلیل بروز اختلاف قرائات، مخالفت قرآن با قواعد زبان عربی و اسالیب عرب است، امری که باعث گشت، قراء برای تسویه و اصلاح آن مخالفت‌ها دست به اجتهاد بزنند (نبیلی، ۱۴۲۷: ۳۱۰-۳۱۳).

## نقد و بررسی عوامل اختلاف قرائات

با توجه به نقل قول‌های نیلی، به نظر می‌رسد منبع مورد مطالعه او در خصوص اختلاف قرائات کتاب البیان فی تفسیر القرآن، آیت‌الله خوئی است که ایشان نیز رکن اصلی شکل‌گیری اختلاف قرائات را اجتهاد قاریان می‌داند (ر.ک: خوئی، ۱۴۰۱: ۱۶۵) اما عوامل دیگری نیز برای شکل‌گیری اختلاف قرائت در دوره‌های مختلف ذکر شده است، که در این خصوص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. نقل به معنا توسط اصحاب پیامبر ﷺ (گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۵۱)؛ ۲. تفاوت لهجه‌های عرب؛ ۳. ابتدائی بودن خط در زمان نزول قرآن کریم؛ از جمله: عاری بودن حروف از نقاط، خالی بودن کلمات از نشانه‌ها و حرکات، نبودن الف در کلمات؛ ۴. اجتهاد قاریان؛ ۵. غلو قراء و تمسک به رأی خود در مورد قواعد ادبیات عربی (معرفت، ۲۰۰۷: ۱۵/۲-۳۵)؛ ۶. تبعیت از رسم الخط یا قرائت مشهور هر یک از بلاد (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۰: ۶۸)؛ ۷. خودستایی و کسب شهرت به وسیله انتخاب قرائت مخالف با مشهور (سیوطی، ۱۹۶۴: ۸۹؛ ذهبی، ۱۹۶۷: ۲۲۱/۱-۲۲۵)؛ ۸. عوامل سیاسی (طبری، ۱۴۱۲: ۷/۷-۸).

این عوامل باعث گردید تا پس از رحلت پیامبر ﷺ قرائت‌های متعددی از قرآن کریم ظاهر شود، و هر گروه قرائت خویش را بر قرائت دیگران ترجیح دهد. ابن مجاهد در قرن چهارم هفت قرائت را به رسمیت شناخت، و در دوره‌های بعدی هفت قاری دیگر به مجموع آنان اضافه شد، که هر یک دو راوی داشتند، بدین صورت قرائات متداول به ۲۸ روایت رسید. و در کنار آن قرائات شاذ نیز گزارش شده است (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۲۰۴-۲۱۵).

## ج. معیار تشخیص قرائت صحیح

در طول تاریخ، مسلمانان همواره بدنبال کشف قرائت پیامبر ﷺ بودند. و در این راستا کارشناسان فن قرائت و علوم قرآن معیارهای متعددی جهت تشخیص قرائت صحیح قرآن کریم ذکر کرده اند؛ اغلب این معیارها بیرون متنی (معیاری خارج از متن قرآن) و برخی از آنها معیار درون متنی (معیاری از درون متن قرآن) است.

### ۱. معیارهای بیرون متنی

شخصیت قاری و مقبولیت قرائت او: ابن مجاهد معتقد است برای تشخیص قرائت صحیح، باید به شخصیت و مقبولیت قرائت قاری توجه نمود. و باید قاری از شخصیت‌هایی باشد که قرائتش از سوی مردم آن منطقه مورد اجماع و اتفاق و تأیید باشد. (جوان آراسته، ۱۳۸۸: ۲۱۴)



صحت سند و مطابقت با رسم المصحف عثمانی و هماهنگی با قواعد ادبیات عربی: ابن جزری برای تشخیص قرائت صحیح این سه شرط را قرار داده است (ابن جزری، ۱۹۴۵: ۹/۱). صحت سند عبارت است از اینکه قرائت باید دارای سند صحیح تا یکی از صحابه پیامبر k باشد. مقصود از مطابقت با رسم المصحف عثمانی، هماهنگی قرائت با یکی از مصاحف عثمانی است. هماهنگی با قواعد ادبیات عربی یعنی، قرائت با یکی از لغات عربی هماهنگ باشد اگرچه آن نامشهور باشد؛ زیرا نحویان بسیاری از قرائت‌ها را مخالف با قواعد عربی می‌دانند، و برای توجیه آن گفته‌اند که تطابق قرائت با قواعد لغت برخی از قبیله‌های عربی کفایت می‌کند.

شهرت: برخی صاحب نظران گفته‌اند: در مواردی که با قرائت‌های مختلف رو به رو هستیم... قرائت معتبر همان قرائت مشهور است و تفسیر باید بر اساس آن صورت گیرد (بابایی و دیگران، ۱۳۸۵: ۷۱).

قرائت جمهور مسلمانان: برخی از قرآن‌پژوهان معاصر معیار پذیرش قرائت صحیح قرآن را موافقت با قرائت جمهور مسلمانان، جدا از قرائت قاریان دانسته‌اند. زیرا قرآن به دو طریق به دست ما رسیده است: ۱. قرائت توده مردم نسل به نسل و سینه به سینه از زمان پیامبر k تا به اینک؛ ۲. اجتهاد قاریان (معرفت، ۱۳۸۷: ۲۱۸-۲۱۹)؛ قرائت جمهور مسلمانان نیز سه شرط دارد: توافق با ثبت مصحف‌های مختلف مردم در گستره جغرافیایی اسلام؛ توافق با فصیح‌ترین اصول و قواعد زبان عربی؛ توافق با اصول ثابت شریعت و احکام قطعی عقلی.

## ۲. معیارهای درون متنی

برخی از پژوهشگران نیز با استفاده از علم زبان‌شناسی دو معیار را برای تشخیص قرائت صحیح معرفی کرده‌اند (ذوقی، ۱۳۹۶: ۱۱۷-۱۲۱): ۱. ترجیح مبتنی بر پیوستگی سوره‌ها؛ ۲. ترجیح مبتنی بر همنشینی واژگان قرآن.

استدلال آنها در این خصوص این است که با تکیه بر روابط پیوستگی سوره می‌توان یکی از خوانش‌های آن کلمه را ترجیح بخشید؛ زیرا ترکیب نشانه‌های زبانی از قواعد نحوی و معنایی آن زبان پیروی می‌کند. در نتیجه توجه به همنشینی‌ها و جانشین‌ها در یک متن می‌تواند در فهم دقیق‌تر آن متن بسیار مفید باشد (ر.ک: نوردی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸۰-۱۸۵).

## نقد و بررسی معیار تشخیص قرائت صحیح

به نظر می‌رسد در هر دوره‌ای معیار مختلفی برای تعیین قرائت صحیح رواج داشت؛ پس از توحید مصاحف توسط خلیفه سوم، مصاحف عثمانی معیار تشخیص قرائت صحیح قرار گرفت. پس از آن تا پیش از اختیار قرائت هفت‌گانه، معیار قرائت صحیح افزون بر موافقت با خط مصحف، صحت سند و شهرت قرائت و پذیرفتگی در زبان عربی بود (مکی بن ابی طالب، ۱۹۷۹: ۵۱). پس از تعیین قراء سبعة توسط ابن مجاهد، موافقت با قرائت این قاریان، به‌عنوان معیار تشخیص قرائت صحیح مطرح گردید. بنابراین همواره در تاریخ قرائت ملاک‌های متعددی در تعیین قرائت صحیح مطرح شده است. افزون بر آن، می‌توان گفت: معیارهای بیرون متنی در انتخاب قرائت صحیح دارای ابهاماتی است، زیرا در طول تاریخ، مقبولیت قراء در مناطق مختلف به یک میزان نبوده است، پس چگونه می‌توان با وجود نسبیت رواج مقبولیت، یکی را صحیح و دیگر قرائت را غیر صحیح دانست؟ و باتوجه به شهرت روایت حفص از عاصم، در چند صده اخیر، و رواج روایت‌های دیگر در سده‌های پیش از آن، چگونه می‌توان آن را ملاک قرار داد و صحت سایر قرائت را با آن مقایسه با آن بررسی نمود؟ لذا به نظر می‌رسد معیارهای پیشنهادی درون متنی برخی پژوهشگران بر اساس علم زبان شناسی از کارایی بیشتری برخوردار باشد. لکن با توجه به قواعد زبانی حاکم در تفسیر قرآن، مانند پذیرش ترادف و مشترک لفظی در قرآن، این معیار نیز نیازمند توسعه بیشتری است.

## د. معیار نیلی در تشخیص قرائت صحیح

نیلی معتقد است: پژوهشگر قرآنی نمی‌تواند اعتقاد به صحت همه قرائت داشته باشد، و باید از میان آنها قرائتی را که مطابق نظام لفظی و درونی قرآن است انتخاب کند، ولو اینکه آن قرائت شاذ باشد و در صورت نبود قرائت مطابق با نظام قرآنی، باید از اظهار نظر در خصوص آن مورد خودداری نماید (نیلی، ۱۴۲۷: ۱۲۷). مبنای نیلی در نظام قرآنی، نشانه‌شناسی اصوات و واج‌ها و تعیین نقش آنها در کشف معناست. او برخلاف معناشناسان و علمای تفسیر و اصول، کوچکترین واحد معنایی قرآن را (صوت - واج) معرفی می‌کند که دارای معنای حرکتی - فیزیکی است. این معنای فیزیکی به‌واسطه حرکت هوای خارج شده از شش‌ها و برخورد یا عدم برخورد زبان با دندان‌ها و لثه و لب‌ها تشکیل می‌شود. واج‌ها باتوجه به نظریه احتمالات کنار هم قرار گرفته و واژه‌ها را تشکیل می‌دهند. و با هر تغییر واج یا تغییر ترتیب واج، واژه جدیدی تولید می‌شود که بی‌همتا است؛ و دارای معنای حرکتی - فیزیکی منحصر به فرد، و معنای استعمالی است.

معنای حرکتی - فیزیکی واژه از مجموع معانی حرکتی - فیزیکی واجها به وجود می آید و دلالت بر معنای عام درون واژه ای دارد و در طول تاریخ می تواند به اشیاء مختلف در چارچوب همان معنا اطلاق گردد و معنای استعمالی (اصطلاحی، ذهنی) تلاشی برای به کارگیری معنای حرکتی در اشاره به اشیاء بیرونی و عالم هستی است. معنای اصطلاحی، نسبی و متغیر در زمان و مکان و بین افراد است. زیرا هر شخص یا مجموعه ای، دید مختلفی نسبت به اشیاء و امور عالم دارند؛ و با توجه به آن مناسب ترین و نزدیک ترین تسلسل واجی (واژه) را از میان واژهها انتخاب می کنند.

جملهها نیز از کنار هم قرار گرفتن تسلسل های واجی (واژهها) به وجود می آیند. لذا همان گونه که تغییر واجها در واژهها باعث تغییر دلالت واژهها می گردد، تغییر تعداد واژهها و تغییر ترتیب چینش آنها در جملات نیز باعث تغییر دلالت جملهها خواهد شد. همچنین همان گونه که در واژهها نمی توان واجی را در تقدیر گرفت، در جملات نیز نمی توان واژه ای را افزون بر واژه های تشکیل دهنده جمله در تقدیر داشت (ر.ک: النیلی، ۲۰۰۸: ۵۲۳ - ۵۲۷).

بنابراین قرآن می تواند تنها یک قرائت صحیح داشته باشد؛ و آن قرائت را می توان با استفاده از: روابط درون متنی، پیوستگی آیات، باهمنشینی واژهها، نفی ترادف و نفی مشترک لفظی در قرآن، به دست آورد.

## هـ. دلایل نبلی برای انحصار اعتبار در یک قرائت

نبلی برای انحصار اعتبار در یک قرائت، دلایل زیر را مطرح کرده است:

### ۱. اشاره قرآن بر یک قرائت واحد

نبلی می گوید: خداوند متعال در قرآن کریم اشاره کرده است که قرائت قرآن از جانب خداست نه از جانب یکی از قراء؛ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ \* فَإِذَا قُرْآنَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ \* ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (القیامة: ۱۷-۱۹). این آیات نشان می دهد که ترکیب و ترتیب آیات قرآن و قرائت آن از شؤون متکلم است نه متلقي. زیرا با تغییر قرائت، معنای کلمه نیز تغییر می کند، لذا این تغییر معنا و متردد بودن میان چند وجه برای خداوند متعال جایز نیست.

اما این ادعا که قراء، قرائت خود را از پیامبر ک گرفته اند، از اصل باطل است. زیرا در کتابهای تفسیری و نحوی و علم بلاغت این قرائت به اجتهاد قراء نسبت داده شده است؛ و شهرت برخی از آنها دلیلی برای اثبات صحت قرائتشان نیست؛ و ادعای تواتر هفت قرائت دارای اشکالات متعددی است، از جمله: اختلاف شدید در معنای هفت، خلط میان هفت قرائت و هفت حرف، نرسیدن عدد راویان به حد تواتر. (نبلی، ۱۴۲۷: ۱۲۸-۱۲۹)

## ۲. روایات دال بر یک قرائت

نیلی می‌گوید: روایات متعددی دال بر نزول قرآن بر یک قرائت داریم و این نشان می‌دهد که اختلاف قرائت از جانب راویان به وجود آمده است. مانند روایتی که می‌گوید: «ان القرآن واحد من عند واحد وان الاختلاف من قبل الناس» (همان، ۳۱۳).

## ۳. نبود معیار مشخص یا روش علمی در انتخاب قرائت مصحف

نیلی برای بیان عدم وجود معیار در تثبیت یک قرائت در مصحف می‌گوید: به طور مثال، علیرغم اینکه در آیه ۷۴ سوره کهف، یکی از واژه‌ها نزد شش نفر از قراء هفت‌گانه به یک شکل، و نزد هفتمین قاری به شکل دیگری قرائت شده است، اما قرائت هفتمین قاری در مصحف ثبت شده و قرائت شش قاری دیگر مهجور گشته است؛ این امر بیانگر نبود معیار مشخص یا روش علمی در انتخاب قرائت صحیح مصحف است (ر.ک: همان، ۱۲۹).

## ۴. مخالفت با نظام لفظی قرآن

نیلی در این خصوص می‌گوید: با اعتقاد به تعدد قرائات نمی‌توان در نظام لفظی قرآن حرکت نمود، زیرا تعدد قرائات به معنای تعدد معانی احتمالی برای یک لفظ است، و این برخلاف قواعد روش نظام قرآنی است که ترادف و مشترک لفظی را نفی می‌کند. اما سخن مفسران که می‌گویند: اگر دو لفظ به دو شکل خوانده شود به یک معناست، یا الفاظ متعدد در قرائت همه دارای یک معنا هستند، طبق رویکرد نظام قرآنی در خصوص الفاظ و حرکات، غیر قابل قبول و باطل است (همان).

## نقد و بررسی دلایل نیلی برای انحصار اعتبار در یک قرائت

به نظر می‌رسد نیلی میان نزول قرآن و تلاوت شفاهی قرآن توسط پیامبر<sup>k</sup>، و نقل شفاهی و مکتوب قرآن توسط صحابه و تابعان و قراء، خلط نموده است. زیرا آیات سوره قیامه نشان می‌دهد قرآن از جانب خداوند متعال است، و بیانگر نقل شفاهی و مکتوب قرآن توسط قراء نیست تا به آن استدلال شود. و مبحث نزول قرآن و قرائات قرآن (نقل شفاهی) و کتابت قرآن (نقل مکتوب) از هم متمایز است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۳۷۷/۱). شاید مراد نیلی این باشد که قرآن بر یک قرائت نازل شده است و در طول تاریخ قرائت‌های متعددی از آن به وجود آمده است؛ لذا ما باید به دنبال کشف آن قرائت واحد باشیم.



اما در خصوص تواتر قرائت‌های قرآن، آراء و نظریات مختلفی وجود دارد. برخی از علمای اهل سنت، قرائت‌های هفت‌گانه را متواتر می‌دانند (عطار، ۱۴۲۰: ۲۹۹/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۸: ۲۹۱/۱؛ نووی، بی‌تا، ۳/۳۹۲) و برخی نیز قرائت عشره را متواتر می‌دانند (زرقانی، ۱۴۲۲: ۴۲۸)؛ برخی علمای شیعه نیز قائل به تواتر قرائت عشره و سبعة هستند (عاملی، ۱۴۱۹: ۳۰۵/۳؛ عاملی، ۱۴۲۰: ۲۴۴؛ حلی، ۱۴۱۲: ۶۴/۵). در مقابل اکثر علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت تواتر قرائت و انتسابشان به پیامبر  $\text{K}$  را قطعی ندانسته و برخی قرائت‌ها را اجتهادی از جانب قاریان برشمرده‌اند (ر.ک: اسکندرلو، رضوی اصیل، ۱۳۹۸: ۱۰۱-۱۱۰) و سخن نبلی در خصوص عدم تواتر طبق نظر اغلب علمای شیعه قابل قبول است.

روایت نزول قرآن بر هفت حرف و دلالت آن بر قرائت سبعة نیز با ابهامات متعددی روبه‌روست. برخی آن را کنایه از تمام قبائل مشهور عرب گرفته‌اند (عسکری، ۱۴۱۶: ۱۴۲/۲؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۱۸۵) و برخی آن را بیانگر اختلاف قرائت دانسته‌اند (ابن جزری، ۱۹۴۵: ۲۶/۱؛ عسقلانی، ۲۰۰۳: ۵۲)؛ عده‌ای نیز گفته‌اند: حروف هفت‌گانه اشاره به لهجه‌های متعدد دارد (ابوشامه، ۱۴۲۴: ۹۰؛ معرفت، ۲۰۰۷: ۸۸/۲). بنابراین نمی‌توان به شکل قاطع به آن استناد نمود و نزول قرآن بر هفت قرائت را از آن استنباط کرد.

روایتی که نبلی آورده است، نقل به مضمون است، و روایت کامل چنین است: «عن أبي جعفر قال: إن القرآن واحد نزل من عند واحد ولكن الاختلاف يجيء من قبل الرواة» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۳۰/۲). روایات دیگری نیز در این خصوص از اهل بیت  $\beta$  ذکر شده است. و دلالت بر انحصار اعتبار در یک قرائت دارد.

به نظر می‌رسد منبع بررسی نبلی افزون بر کتاب‌های اختلاف قرائت، قرآن به روایت حفص از عاصم است که در اختیار داشت و این موضوع موجب برخی پیش داوری‌های نادرست او شده است. این در حالیست که این روایت تنها یکی از قرائت رایج در تاریخ اسلام است. و نمی‌تواند دلیلی برای نادرست بودن استفاده از یک قرائت در یک مصحف باشد.

با توجه به سیر تطور و گستره تاریخی جغرافیایی قرائت پس از پیامبر  $\text{K}$  در جهان اسلام و شواهد و قرائن می‌توان گفت: از اواخر قرن اول تا اوایل قرن پنجم، در مکه قرائت ابن کثیر، و در یمن قرائت عاصم، (مقدسی، ۱۳۸۵: ۹۷)؛ در مدینه قرائت نافع، (ضباع، بی‌تا، ۷۲)؛ در کوفه قرائت عاصم به روایت شعبه، سپس قرائت حمزه، و کسایی (ابن مجاهد، ۱۹۷۲: ۶۶-۷۸)؛ در بصره قرائت ابوعمر و؛ در دمشق، قرائت ابن عامر، و در غالب مناطق شام قرائت ابوعمر و (مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۹ و ۱۸۰)؛ در

مصر قرائت نافع به روایت ورش (ضباع، بی تا، ۷۲)؛ در میان اهل مغرب ابتدا قرائت حمزه، سپس روایت ورش از نافع؛ و در ایران قرائت مختار توسط ابوحاتم سجستانی؛ مشهور و متداول بوده است (اعراب، ۱۹۹۰: ۱۳-۱۴). از قرن پنجم تا قرن دوازدهم: به استثنای مغرب که در آن روایت ورش و قالون از نافع رواج داشت، در سایر مناطق قرائت ابوعمر و متداول بوده است. و پس از آن تا کنون، در مغرب قرائت نافع و روایت دوری از ابوعمر؛ و در سایر بلاد قرائت حفص از عاصم فراگیر می‌شود (حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۲۲) و قرائت هر یک از قراء در مصحف جداگانه‌ای ثبت و منتشر گشته است.

به نظر می‌رسد نیلی توجهی به انواع اختلاف قرائات ندارد و سخن او تنها ناظر به اختلاف فرش الحروف است. لکن اختلاف قرائت به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) اختلاف در اصول قرائات؛ این نوع اختلاف در مصاحف ضابطه مند بوده و بیانگر اصول کلی و حاکم در تمام کلمات قرآن است، و چگونگی ادای صوتی قرائت را در موارد مشابه نشان می‌دهد، مانند: اظهار، ادغام، روم، اشمام، تفخیم، ترقیق، مد و قصر، اماله، فتح و تحقیق، تسهیل، ابدال و نقل (ابن جزری، ۱۹۴۵: ۲۶/۱-۲۷).

ب) اختلاف در فرش الحروف؛ این نوع اختلاف ضابطه مند نیست، و مورد بحث نیلی است و به هفت قسم تقسیم می‌شود: ۱. اختلاف در اعراب کلمات که منجر به تغییر معنا نمی‌شود؛ ۲. اختلاف در اعراب که باعث تغییر معنا می‌گردد؛ ۳. اختلاف در حروف کلمات که معنا را تغییر می‌دهد ولی صورت همچنان محفوظ است؛ ۴. اختلاف حروف که باعث تغییر صورت است نه معنا؛ ۵. اختلاف کلمه که صورت و معنا را تغییر می‌دهد؛ ۶. اختلاف در تقدیم و تأخیر کلمات؛ ۷. اختلاف در زیاده و نقصان کلمات (معرفت، ۲۰۰۷: ۱۰۷/۲-۱۱۰).

با وجود این در مصاحف، به طور مستقل قرائت هر یک از قاریان آمده است، و قرائت مصحف متداول کنونی معیار برتری یک قرائت بر سایر قرائات نیست. و تبیین نیلی ناقص می‌باشد.

استدلال به مخالفت با روش نظام قرآنی صحیح نمی‌باشد و منجر به دور می‌شود. زیرا نظام قرآنی قواعدی است که خود نیلی آن را پیشنهاد می‌دهد، و نتیجه این قواعد وجود یک قرائت صحیح است، اما چگونگی دسترسی به آن قرائت نیازمند بررسی قرائات مختلف است.

گرچه برخی استدلال‌های نیلی کامل نیست، اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که نزول قرآن بر یک قرائت بوده است، و ما یک قرائت صحیح داریم که میان قرائات مختلف باید آن را جستجو نمود.

## و. چگونگی تشخیص قرائت صحیح نزد نبیلی

نبیلی برای چگونگی تشخیص قرائت صحیح آیه مبارکه:  $\text{فَانطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا}$  (کهف: ۷۴) را مثال زده و مورد بررسی قرار می‌دهد. نبیلی در خصوص لفظ (زکیه) در این آیه می‌گوید: طبق قواعد نظام قرآنی که واژگان در سرتاسر قرآن استقلال و استقرار معنایی دارند، باید لفظ (زکیه) در این آیه و در آیه  $\text{فَقَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا}$  (مریم: ۱۹) که در وصف حضرت مسیح  $\text{ع}$  است، یکی باشد. لکن توصیف حضرت مسیح به (زکی) نشان می‌دهد که معنای آن عبارت است از: طاهر و مبرابردن از گناه؛ درحالیکه این صفت نمی‌تواند توصیف حضرت موسی  $\text{ع}$  از غلام مقتول توسط عبد صالح باشد. (نبیلی، ۱۴۲۷: ۱۳۰-۱۳۱) زیرا:

حضرت موسی  $\text{ع}$  پیامبر خداست، و هرگز چیزی که نمی‌داند را ادعا نمی‌کند؛ پس چگونه دانست که این غلام (زکی) است؟ درحالیکه در آیات بعد خداوند حقیقت او را به‌عنوان کافر معرفی می‌کند.  $\text{وَإِنَّمَا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَن يَرِهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا}$  (کهف: ۸۰) لذا نمی‌توان این جهل را به ایشان نسبت داد.

حضرت موسی  $\text{ع}$  برای تعلیم دیدن نزد عبد صالح آمده بود، و توصیف غلام به (نفس زکیه) با غایت او که تعلیم است، مخالفت دارد. بلکه نقیض آن نیز می‌باشد. این درحالیست که حضرت موسی  $\text{ع}$  عهد و پیمان خویش را پس از حادثه کشتی فراموش نکرده بود.

این سخن که طفل دون سن تکلیف مبرا و از گناهان طاهر است، حکم ظاهری و مربوط به شریعت آسمانی است، و ارتباطی با حقیقت مبرابردن یا کفر نفس ندارد. و حضرت موسی  $\text{ع}$  نزد عبد صالح برای تعلیم دیدن همین معرفت حاضر شده بود، و نمی‌تواند غایت حضور خویش را نقض نماید و نسبت به (نفس) تنها به سبب اینکه به سن تکلیف نرسیده است، پیش داوری کند.

لفظ (غلام) دلالت بر طفل نمی‌کند. در دو مورد دیگر قرآنی دلالت بر حضرت مسیح  $\text{ع}$  دارد، و در ادامه سوره کهف دلالت بر الکافر دارد.

قتل غلام به دستور الهی نبود؛ زیرا نظام قرآنی همه الفاظ را در نظر می‌گیرد، و مشاهده می‌شود که اراده الهی فقط به بنای دیوار تعلق گرفته است. اما سوراخ کردن کشتی با اراده عبد صالح، و قتل غلام بپاراده یک مجموعه، که ما اطلاعی نسبت به افراد دیگر آن نداریم، صورت گرفته است. به اقترا ن اراده با حوادث در این آیات دقت کنید:

کشتی:  $\text{فَأَرَدْتُ أَن أَعِيَهَا}$  (کهف: ۷۹)

غلام: ﴿فَخَشِينَا أَنْ يَرِهَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾ (كهف: ۸۰)  
﴿فَأَزَدْنَا أَنْ يَبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاءً وَأَقْرَبَ رُحْمًا﴾ (كهف: ۸۰)  
ديوار: ﴿فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ﴾ (كهف: ۸۲)

نیلی از این پنج مقدمه نتیجه می‌گیرد که: باید (زکیه) در سوره مریم و سوره کهف متفاوت باشند؛ و با توجه به نظام قرآنی پیشنهاد می‌دهد اگر در سوره کهف (زاکیه) به جای (زکیه) قرار بگیرد تعارض میان آیات برطرف می‌شود؛ زیرا (زاکیه) به معنای (مکتمل النمو نشط فیه) کامل شده و رشد یافته و پرتکاپو، است. و این صفت ارتباطی به ایمان و کفر و هدایت و ضلالت ندارد و از صفات و خصوصیات جسمانی است. و می‌گوید: «هنگام جستجو در میان مصادر قرائات با موضوع غریبی روبرو شدم، و آن اینکه در شش قرائت از قرائات سبعة (زاکیه) با الف آمده است، اما فقط در یک قرائت (زکیه) آمده است؛ با این حال در مصاحف قرائت واحد را تثبیت و شش قرائت دیگر را ترک کرده‌اند. و ظاهراً سبب آن یکی دانستن معنای آنهاست» (نیلی، ۱۴۲۷: ۱۳۲).

او بیان می‌کند: طبق نظام قرآنی، معنای آیه سوره کهف و فضای آن، به جای اینکه تصویر حضرت موسی را همان‌گونه که مفسران می‌گویند، باشد: (به شدت از عبدصالح غضبناک گردید به حدی که می‌خواست او را بزند؛ بلکه حسب تعبیر برخی او را بلند کرد و به زمین زد)؛ معنای آیه و فضای آن را به یک سؤال مؤدبانه و مصرانه از عبدصالح تغییر می‌دهد تا او را از حقیقت قتل غلام مطلع سازد. اما ادامه آیه ﴿لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا﴾ (كهف: ۷۴). لفظ (نکرا) مانند زعم مفسرین (منکرا) نیست، زیرا این دو لفظ را به یک معنا دانسته‌اند، (عمل قبیح یا منکر) تا تغییر لفظ (زاکیه) به (زکیه) را توجیه کنند. درحالی که (نکر) عبارت است از امر مجهولی که حقیقت آن را نمی‌دانیم. و در قرآن کریم نیز فقط به این معنی آمده است. به موارد استعمال این لفظ دقت کنید:

﴿فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ﴾ (هود: ۷۰).

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾ (ذاریات: ۲۵).

﴿فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ \* قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾ (حجر: ۶۱-۶۲).

در این سه مورد، خود افراد و فرستادگان الهی و ملائکه، نزد حضرت ابراهیم و لوط ناشناخته و مجهول می‌باشند؛ زیرا پیش از این آنها را ندیده بودند و با آنها آشنایی نداشتند.



بنابراین حضرت موسی ۷ به عبد صالح نگفته است (تو یک نفس طاهر و پاکیزه را به قتل رساندی و یک امر قبیح انجام دادی)، و از دست او عصبانی نبود و قصد زدن او را نداشت، بلکه مصرانه یک سؤال را از او داشت تا به یک پاسخ مقنع برسد، و گفته است: (تو یک نفس کامل شده و رشد یافته و در حال تکاپو را بدون اینکه قصاصی در کار باشد به قتل رساندی، و این کار امری مجهول برای من است و علمی به حقیقت آن ندارم). و بدین گونه منهج لفظی یک مجادله کلامی را به یک گفتگو و محاوره آرام بین مشتاق معرفت و یک عارف تبدیل می‌کند.

اما سخن اهل لغت در خصوص تفاوت میان (زکیه) و (زاکیه)، برخی گفته اند: هر دو به یک معناست. و برخی دیگر گفته اند: (زاکیه) به معنای شخصی است که هرگز گناه نکرده است و (زکیه) به معنای شخصی است که گناه کرده و توبه نموده است. این را ابوعمرو بن علا گفته است (طوسی، بی تا، ۷۳/۷).

طبرسی نیز می‌گوید: هر که آیه را (زاکیه) تلاوت کند به معنای طاهر و پاکیزه از گناهان است، و هر که (زکیه) بخواند به معنای میرا از گناهان است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۸/۶) به عبارت دیگر فرقی میان سخن طبرسی و ابوعمرو بن علا نیست، و تفاوتی میان (طاهر) و (برینه) از حیث معنا نیست! و همه فراموش کرده‌اند که اگر حضرت موسی ۷ هر یک از این سخن‌ها را می‌گفت، با قول الهی در خصوص بیان صفت غلام (او یکی از طغاه کفره است) که در آیه بعدی آمده، مخالف می‌شد. □ فَخَشِينَا أَنْ يَرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا □ (کهف: ۸۰) پس باید به ابوعمرو گفت: اگر (زاکیه) به معنای پاکیزه از گناهان باشد پس چرا عبدصالح او را به قتل رساند؟ و اگر (زکیه) به معنای این باشد که مرتکب گناه شده و توبه کرده است، ابوعمرو چه می‌داند که خداوند توبه او را نمی‌پذیرد؟ و چگونه می‌داند توبه او نصح نیست؟ آیا بهتر نبود نگاهی به کتاب خداوند متعال می‌افکند تا مشاهده کند (زکیه) یعنی کسی که مرتکب گناه نشده است، زیرا توصیف ملائکه نسبت به حضرت عیسی ۷ در سوره مریم است، و نغمه‌نگ آیات سوره مریم واژه (زاکیه) را نمی‌پذیرد.

اگر از این موارد بگذریم، اهل بادیه را خواهیم یافت که تا به اینک می‌گویند: (هذا زرع زاک، و هذا مال زاک) یعنی این کشت رویش خوب و فراوانی دارد. و چه فرق است میان (زاک) و (زکی)، و چگونه می‌توانند این دو را به یک معنا قلمداد کنند؟

و در آخر نبلی می‌گوید: همه واژه‌ها و شرح موجود در این داستان، مؤید معنا و قرائت (زاکیه) است که منهج لفظی آن را بیان کرد و انتخاب نمود. و مخالف قرائت (زکیه) است. و باید در نظر داشت که هرگز عبدصالح به حضرت موسی ۷ نگفت که از او تبعیت ندارد و در شرایط پیروی خللی وارد نکرد،

بلکه این موضوع را تأکید می‌کند که حضرت موسی ۷ ناقض شرط تبعیت و عدم سؤال بوده است، امری که پس از دوبار در مرتبه سوم موجب فراق میان او و عبد صالح شد. به آیات سوره کهف در این خصوص دقت کنید:

II قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (کهف: ۶۷):

II قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا (کهف: ۷۰):

II قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (کهف: ۷۲):

II قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (کهف: ۸۰).

نقد و بررسی چگونگی تشخیص قرائت صحیح نزد نیلی:

پیش داوری در خصوص قرائت و پیشنهاد قرائت صحیح پیش از بررسی قرائات روشی علمی برای انتخاب قرائت صحیح نمی‌باشد؛ این مسأله را نیلی هم در این آیه و هم در بررسی آیه ۷ سوره آل عمران تکرار نموده است، (نیلی، ۱۴۲۷: ۳۵۹) و در آنجا قرائت شاذ (مشتبهات) را معرفی می‌کند که در هیچ یک از منابع اختلاف قرائات یافت نمی‌شود. و به نظر می‌رسد نیلی نتوانسته است قواعد نظام قرآنی را به شکل صحیح در خصوص یافتن قرائت صحیح اعمال کند، و در این مورد اجتهاد دارد.

تثبیت یک قرائت در مصحف و عدم ذکر سایر قرائات در آن مصحف به دلیل بیان و نقل روایت قاری است، نه ترجیح یک قرائت بر قرائات دیگر؛ و اشکال نیلی در این خصوص بر مصحف وارد نیست. به نظر می‌رسد نیلی تنها مصحفی که در اختیار داشت، مصحفی به روایت حفص از عاصم است، و پنداشته است که این مصحف، معیار قرائت صحیح قرآن در طول تاریخ قرائت می‌باشد. لذا چنین نتیجه نادرستی را گرفته است.

خداوند متعال در خصوص غلام، برخلاف ادعای نیلی صفت کافر و طغیانگر را به کار نبرده است؛ و حقیقت غلام را به عنوان کافر معرفی نمی‌کند. II وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَن يُرِهَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (کهف: ۸۰) بلکه می‌گوید: بیم آن را داشتیم که پدر و مادرش را دچار طغیان و کفر نماید. و این آیه دلالتی بر کافر بودن یا طغیانگر بودن غلام ندارد. و سخن نیلی برخلاف روش و نظام قرآنی پیشنهادی خویش است.

ادعای نیلی مبنی بر اینکه قتل غلام به دستور الهی نبود؛ با توجه به آیه II وَأَمَّا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي (کهف: ۸۲) صحیح نیست؛ زیرا عبد صالح به درجه‌ای از قرب الهی رسیده بود که خداوند در خصوص او می‌فرماید: II فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا (کهف: ۶۵) اعطای رحمت الهی به همراه تعلیم علم، در کنار اقرار عبد صالح در تبعیت از اوامر الهی بیانگر تمثیل او از دستورات الهی است.



نیلی اشاره‌ای به منابع اختلاف قرائت که به آن استناد کرده است ندارد؛ این اختلاف در کتاب‌ها، و تفاسیر متعدد ذکر شده است، از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (زکیه) قرائت اهل کوفه، عاصم، یحیی بن وثاب، ابن عامر، کسائی، و حسن است؛ و (زاکیه) قرائت اهل حجاز و بصره، ابوعمر، ابن عباس، اعرج، ابوجعفر، شیبه، ابن محیصن، حمید، زهری، ابن بکیر از یعقوب، نافع، ابوبکر، ابن ذکوان و ابورحمن سلمی است (ر.ک: فراء، ۱۹۸۰: ۱۵۵/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۵/۱۵؛ دانی، ۱۹۸۴: ۱۴۴؛ آلوسی، ۱۴۰۵: ۳۱۹/۸).

سخن نیلی در خصوص تفاوت داشتن (زاکیه) و (زکیه) صحیح می‌باشد؛ و نمی‌توان سخن برخی مفسرین که آن را یکی دانسته‌اند، پذیرفت. همچنین با توجه به دو آیه سوره کهف و مریم، به نظر می‌رسد اهل لغت و برخی مفسران معنای این دو واژه را به درستی بیان نکرده‌اند؛ «فرق ابوعمر و بین زاکیه و زکیه بأن زاکیه بالألف هی التي لم تذنب قط و زکیه بدون الألف هی التي أذنبت ثم غفرت» (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۸۴/۶)؛ زیرا (زکیه) برای حضرت مسیح<sup>۷</sup> استفاده شده است و به معنای عدم ارتکاب گناه می‌باشد.

گرچه نیلی تبیین صحیح و کاملی از چگونگی انتخاب قرائت صحیح ندارد؛ اما می‌توان روش پیشنهادی او را توسعه داد. زیرا نظام پیشنهادی او درون متنی است، و می‌تواند ما را به قرائت صحیح نزدیکتر کند. طبق روش نظام قرآنی هر واج و هر واژه‌ای در قرآن کریم استقلال و استقرار معنایی دارد؛ و تنها یک قرائت از میان قرائت‌های مختلف در آیه می‌تواند صحیح باشد. و با توجه به عدم وجود ترادف و مشترک لفظی در قرآن کریم، برای شناخت این قرائت می‌توان از روابط همنشینی واژه‌ها در آیات، نغمه‌ها، آیات، و پیوستگی آیات استفاده نمود.

در خصوص اختلاف قرائت (زاکیه) و (زکیه) در سوره کهف، می‌توان با توجه به پیوستگی آیات، نغمه‌ها، و همنشینی واژه‌ها در این سوره و سوره مریم، از میان آن دو، (زاکیه) را برای سوره کهف اختیار نمود.

## نتیجه‌گیری

نیلی تنها دلیل بروز اختلاف قرائت را مخالفت قرآن با قواعد زبان عربی و اسالیب عرب و اجتهاد قراء برای اصلاح آن اختلافات می‌داند؛ لکن عوامل دیگری نیز برای بروز اختلاف قرائت وجود دارد، مانند: نقل به معنا توسط اصحاب پیامبر<sup>ک</sup> تفاوت لهجه‌های عرب، ابتدائی بودن خط در زمان نزول قرآن کریم، غلو قراء و تمسک به رأی خود در مورد قواعد ادبیات عربی، تبعیت از رسم الخط یا قرائت مشهور هر یک از بلاد، خودستایی و کسب شهرت بوسیله انتخاب قرائت مخالف با مشهور و عوامل سیاسی.

معیارهای متعددی برای تشخیص قرائت صحیح بیان شده است که می‌توان آنها را به معیارهای بیرون متنی، و درون متنی تقسیم کرد؛ از جمله معیارهای بیرون متنی، می‌توان از: شخصیت قاری و مقبولیت قرائت او، صحت سند، مطابقت با رسم المصحف عثمانی، هماهنگی با قواعد ادبیات عربی، شهرت، هماهنگی با قرائت جمهور مسلمانان، نام برد. و معیارهای درون متنی، عبارتند از: ترجیح مبتنی بر پیوستگی سوره‌ها؛ ترجیح مبتنی بر همنشینی واژگان قرآن.

معیار نیلی در تشخیص قرائت صحیح، مطابقت قرائت با نظام لفظی و درونی قرآن است؛ ولو اینکه آن قرائت شاذ باشد. زیرا اعتقاد دارد باتوجه به نظام واج آرای و ترتیب واژه‌ها در آیات، قرآن تنها یک قرائت می‌تواند داشته باشد؛ و با هر تغییر واج یا تغییر ترتیب واج، واژه جدیدی تولید می‌شود که حامل معنای متفاوتی است. و آن قرائت صحیح را می‌توان با استفاده از: روابط درون متنی، پیوستگی آیات، باهمنشینی واژه‌ها، نفی ترادف و نفی مشترک لفظی در قرآن، به‌دست آورد.

نیلی برای انحصار اعتبار در یک قرائت دلایل زیر را مطرح کرده است: اشاره قرآن به یک قرائت واحد در آیات ۱۷-۱۹ سوره قیامه، روایات دال بر وجود یک قرائت صحیح، نبود معیار مشخص یا روش علمی در انتخاب قرائت مصحف، مخالف بودن با نظام لفظی قرآن.

به نظر می‌رسد نیلی با استدلال به آیات سوره قیامه، میان نزول قرآن و تلاوت شفاهی قرآن توسط پیامبر ﷺ و نقل شفاهی و مکتوب قرآن توسط قراء، خلط نموده است. و همچنین منبع او برخی کتابهای اختلاف قرائات، و قرآن به روایت حفص از عاصم است. این موضوع موجب برخی پیش داوری‌های نادرست او شده است. درحالیکه این روایت قرآن تنها یکی از قرائات رایج در تاریخ اسلام است. و نمی‌تواند دلیلی برای نادرست بودن استفاده از یک قرائت در یک مصحف باشد.

استدلال نیلی به مخالفت با روش نظام قرآنی صحیح نیست و منجر به دور می‌شود. زیرا نظام قرآنی قواعدی است که خود نیلی آن را پیشنهاد می‌دهد، و نتیجه این قواعد وجود یک قرائت صحیح است، اما چگونگی دسترسی به آن قرائت نیازمند بررسی قرائات مختلف است.

گرچه تبیین نیلی از چگونگی انتخاب قرائت صحیح در سوره کهف دارای ابهاماتی است؛ لکن می‌توان باتوجه به نظام قرآنی و نفی وجود ترادف و مشترک لفظی در قرآن کریم، برای شناخت قرائت صحیح از روابط درون متنی و همنشینی واژه‌ها در آیات، نغمه‌نگ آیات، و پیوستگی آیات استفاده نمود. در خصوص اختلاف قرائت (زاکیه) و (زکیه) در سوره کهف، می‌توان با توجه به پیوستگی آیات، نغمه‌نگ، و همنشینی واژه‌ها در این سوره و سوره مریم، از میان آن دو، (زاکیه) را برای سوره کهف اختیار نمود.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، مدینه منوره: مجمع ملک فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۲۳ق.
۲. ابن جزری، شمس الدین محمد، النشر فی القرائات العشر، مصر: مکتبه التجاریه الکبری، ۱۹۴۵م.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن مجاهد، ابوبکر أحمد بن موسی، کتاب السبعه فی القرائات، مصر: دارالمعارف، ۱۹۷۲م.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۶. ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۷. اسکندرلو، محمدجواد، رضوی اصیل، سیدمجتبی، مبانی قرائی تفسیر، دو فصلنامه علمی مطالعات قرائت قرآن، شماره ۱۲، ۱۳۹۸ش.
۸. اعراب، سعید، القراء و القرائات بالمغرب، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۰م.
۹. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۰. بابایی، علی اکبر، عزیزی کیا، غلامعلی، روحانی راد، مجتبی، رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: انتشارات سمت، ۱۳۸۵ش.
۱۱. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۱۲. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۱۳. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۷ش.
۱۴. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، گستره جغرافیای تاریخی قرائات در جهان اسلام، دو فصل نامه علمی تخصصی قرائت پژوهی، شماره ۲، ۱۳۹۳ش.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۶. خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات انوار الهدی، چاپ هشتم، ۱۴۰۱ق.
۱۷. دانی، عثمان بن سعید، التیسیر فی القرائات السبع، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۹۸۴م.



١٨. دمیاطی، شهاب الدین احمد، اتحاف فضلاء البشر فی القرائات الاربعه عشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم، ١٤٢٢ق.
١٩. ذهبی، شمس الدین محمد، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، مصر: مطبعه دارالکتب الحدیث، ١٩٦٧م.
٢٠. ذوقی، امیر، ملاکهای ترجیح قرائت و توسعه آن، تهران: دانشگاه امام صادق، ١٣٩٦ش.
٢١. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالشامیه، ١٤١٢ق.
٢٢. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعه المصطفی العالمیه، ١٣٨٧ش.
٢٣. زرکانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ چهارم، ١٤٢٤ق.
٢٤. زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ١٩٥٧م.
٢٥. سرخسی، ابوبکر محمد بن احمد، اصول السرخسی، بیروت: دارالمعرفه، ١٤١٨ق.
٢٦. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، سوریه: مطبعه عیسی البابی الحلبي وشركاء، ١٩٦٤م.
٢٧. جفری، آرثر، مقدمتان فی علوم القرآن، قاهره: مکتبه الخانجی، چاپ دوم، ١٩٧٢م.
٢٨. ضیاع، علی محمد، الاضائه فی بیان اصول القراءه، قاهره: مکتبه الازهر للتراث، ١٩٩٩م.
٢٩. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ١٣٥٣ش.
٣٠. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، چاپ دوم، ١٣٧٠ش.
٣١. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ٢٠٠٤م.
٣٢. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
٣٣. عاملی، زین الدین بن علی شهید ثانی، المقاصد العلیه فی شرح الرساله الألفیه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٤٢٠ق.
٣٤. عاملی، محمد بن مکی شهید اول، ذکرى الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت، ١٤١٩ق.
٣٥. عسقلانی، شهاب الدین ابن حجر، فضائل القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ٢٠٠٣م.

۳۶. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ایران: المجمع العلمی الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۳۷. عطار، حسن، حاشیه العطار علی جمع الجوامع، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۳۸. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن و اعرابه، بیروت: عالم الکتب، ۱۹۸۸م.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۰. گلدزیهر، ایگناز، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه طباطبایی، سید ناصر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳ش.
۴۱. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۲۰۰۷م.
۴۲. معرفت، محمد هادی، آموزش علوم قرآنی، قم: نشر یاران، چاپ نهم، ۱۳۸۷ش.
۴۳. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: منزوی، علی نقی، تهران: کوشش، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۴۴. مکی بن ابی طالب، الابانه عن معانی القرائات، دمشق: دارالمأمون للتراث، ۲۰۰۶م.
۴۵. نوردی، عبدالحمید، صادقیان، احمد، یزدی، محمدجواد کوچک، راهکارهای علمی رفع اختلاف قرائات، دو فصل نامه علمی مطالعات قرائت قرآن، شماره ۱۳، ۱۳۹۸ش.
۴۶. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۴۷. نبلی، عالم سبیط، اللغه الموحده، بیروت: دارالمحججه البیضاء، ۲۰۰۸م.
۴۸. نبلی، عالم سبیط، النظام القرآنی، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۷ق.
۴۹. حاجی اسماعیلی، محمدرضا، گستره جغرافیای تاریخی قرائات در جهان اسلام، دو فصلنامه علمی تخصصی قرائت پژوهی، شماره ۲، ۱۳۹۳ش.
۵۰. نوردی، عبدالحمید، صادقیان، احمد، یزدی، محمدجواد کوچک، راهکارهای علمی رفع اختلاف قرائات، دو فصل نامه علمی مطالعات قرائت قرآن، شماره ۱۳، ۱۳۹۸ش.

## References

۱. *Quran Karim (The Holy Quran)*, Medina: King Fahd Complex for the Printing of the Holy Quran, ۱۴۲۳ AH (۲۰۰۲ CE).
۲. Aalusi, Sayyid Mahmood, *Ruh al-Ma'ani (The Spirit of Meanings)*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, ۱۴۰۵ AH (۱۹۸۴ CE).
۳. Aameli, Mohammad bin Maki al-Shahid Awwal, *Dhikra al-Shia fi Ahkam al-Shari'ah (The Remembrance of the Shia in the Rulings of the Sharia)*, Qom: Mo'asseseh Alul Bayt, ۱۴۱۹ AH (۱۹۹۸ CE).
۴. Abu Shammah, Abd al-Rahman bin Ismail, *Al-Murshid al-Wajiz ila Ulum Tat'allaq bi al-Kitab al-Aziz (The Concise Guide to Sciences Related to the Noble Book)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۱۴۲۴ AH (۲۰۰۳ CE).
۵. Ameli, Zain al-Din bin Ali al-Shahid Thani, *Al-Maqasid al-Aliyyah fi Sharh al-Risalah al-Alfiyyah (The High Aims in the Explanation of the One Thousand Treatise)*, Qom: Qom Islamic Seminary Islamic Preaching Center, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۶. Askari, Murtadha, *Al-Quran al-Karim wa Riwayat al-Madrastayn (The Noble Quran and the Narrations of the Two Schools)*, Iran: Al-Majma' al-Ilmi al-Islami, ۲nd Edition, ۱۴۱۶ AH (۱۹۹۵ CE).
۷. Asqalani, Shahab al-Din Ibn Hajar, *Fada'il al-Quran (The Virtues of the Quran)*, Beirut: Dar wa Maktabah al-Hilal, ۲۰۰۳ CE.
۸. Attar, Hassan, *Hashiyah al-Attar 'ala Jama' al-Jawami' (Attar's Marginal Notes on the Collection of Comprehensive Hadiths)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, no date.
۹. Babaei, Ali Akbar; Azizi Kya, Ghulam Ali; Roohani Rad, Mojtaba; Rajabi, Mahmoud, *Rawishshinasi-ye Tafsir-e Quran (Methodology of the Quranic Exegesis)*, Qom: SAMT Publications, ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).
۱۰. Blachère, Régis, *Dar Astaneh-e Quran (In the Threshold of the Quran)*, Translated by Mahmoud Ramiyar, Tehran: Cultural Institute of Islamic Thought, ۱۳۷۰ SH (۱۹۹۱ CE).
۱۱. Dani, Uthman bin Saeed, *Al-Taysir fi al-Qira'at al-Sab' (Seven Recitations Made Easy)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, ۲nd Edition, ۱۹۸۴ CE.
۱۲. Dhahabi, Shams al-Din Mohammad, *Ma'rifat al-Qurra al-Kibar 'ala al-Tabaqat wa al-Asar (Knowledge of the Great Reciters According to Ranks and Eras)*, Egypt: Matba'ah Dar al-Kitab al-Hadith, ۱۹۶۷ CE.
۱۳. Diba, Ali Mohammad, *Al-I'adah fi Bayan Usul al-Qira'ah (Illumination in Explaining the Principles of Recitation)*, Cairo: Maktabah al-Azhar li al-Turath, ۱۹۹۹ CE.
۱۴. Dumyati, Shahab al-Din Ahmad, *It'haf Fudala' al-Bashr fi al-Qira'at al-Arba'ah 'Ashar (Honoring the Virtuous in the Fourteen Recitations)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۲rd Edition, ۱۴۲۲ AH (۲۰۰۱ CE).



۱۵. Eskandarlo, Mohammad Javad; Razavi Asli, Seyyed Mojtaba, *Mabani-e Qira'ati-ye Tafsir (Foundations of Quranic Exegesis Recitations)*, Faslnamah-e Elmie Motale'at-e Qira'at-e Quran (Biannual Quarterly on Quranic Recitations), No. ۱۲, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۱۶. Farra, Yahya bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran wa I'rabuhh (The Meanings of the Quran and Its Grammar)*, Beirut: Alam al-Kitab, ۱۹۸۸ CE.
۱۷. Goldziher, Ignác, *Mazahib al-Tafsir al-Islami (Schools of Islamic Exegesis)*, Translated by Seyyed Naser Tabatabai, Tehran: Qoqnous, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۱۸. Haji Esmaili, Mohammad Reza, *Gostare-ye Joghrafiaye Tarikhi-ye Qira'at dar Jahan-e Eslam (The Expansion of Historical Geographic Recitations in the Islamic World)*, Dofeleaname-ye Elmie Takhasosi-ye Qira'at Pazhuhesi (Biannual Scientific – Special Quarterly Recitations Studies), No. ۶, ۱۳۹۳ SH (۲۰۱۴ CE).
۱۹. Hilli, Hassan bin Yusuf, *Muntaha al-Matalib fi Tahqiq al-Madhhab (The End of Aspirations in Verifying the Sect)*, Mashhad: Majma' al-Buhuth al-Islamiyyah, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۲۰. I'rab, Saeed, *Al-Qurra' wa al-Qira'at bilmaghrib (Reciters and Recitations in Morocco)*, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, ۱۹۹۰ CE.
۲۱. Ibn Faris, Ahmad, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Measures)*, Qom: Maktab al-Ilam al-Islami, ۱۴۰۴ AH (۱۹۸۴ CE).
۲۲. Ibn Jazari, Shams al-Din Mohammad, *Al-Nashr fi al-Qira'at al-'Ashr (A Work of the Ten Readings)*, Egypt: Maktabah al-Tijariyyah al-Kubra, ۱۹۴۵ CE.
۲۳. Ibn Manzur, Mohammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar Sader, ۳rd Edition, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).
۲۴. Ibn Mujahid, Abu Bakr Ahmad bin Musa, *Kitab al-Sab'ah fi al-Qira'at (The Book of the Seven Recitations)*, Egypt: Dar al-Ma'arif, ۱۹۷۲ CE.
۲۵. Javan Arasteh, Hossein, *Darsnameh-ye Ulum-e Quran (Curriculum of Quranic Sciences)*, Qom: Bustan Ketab, ۱۳۷۷ SH (۱۹۹۸ CE).
۲۶. Jeffry, Arthur, *Muqaddamatani fi Ulum al-Quran (Two Introductions to the Sciences of the Quran)*, Cairo: Maktabah al-Khanji, ۲nd Edition, ۱۹۷۲ CE.
۲۷. Khoei, Abu al-Qasim, *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Exposition in Quranic Exegesis)*, Qom: Anwar al-Huda Publications, ۸th Edition, ۱۴۰۱ AH (۱۹۸۱ CE).
۲۸. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۴th Edition, ۱۴۰۷ AH (۱۹۸۶ CE).
۲۹. Ma'rifat, Mohammad Hadi, *Al-Tamhid fi Ulum al-Quran (Introduction to Quranic Sciences)*, Qom: Al-Tamhid Cultural Center Publications, ۲۰۰۷ CE.
۳۰. Ma'rifat, Mohammad Hadi, *Amuzesh-e Ulum-e Quran (Teaching Quranic Sciences)*, Qom: Nashr-e Yaran, ۹th Edition, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۳۱. Makki bin Abi Talib, *Al-Ibanah an Ma'ani al-Qira'at (The Clarification fo the Meanings of Recitations)*, Damascus: Dar al-Ma'mun lil-Turath, ۲۰۰۶ CE.
۳۲. Maqdisi, Mohammad bin Ahmad, *Ahsan al-Taqasim fi Ma'rifat al-Aqalim (The Best of Classifications in the Knowledge of Regions)*, Translated by Ali Naqi Munzawi, Tehran: Kooshesh, ۲nd Edition, ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).
۳۳. Nili, Alam Sabit, *Al-Lughah al-Muwahhidah (Unified Language)*, Beirut: Dar al-Mahajjah al-Baydha', ۲۰۰۸ CE.
۳۴. Nili, Alam Sabit, *Al-Nizam al-Qurani (The Quranic System)*, Qom: Dhu al-Qurba, ۱۴۲۷ AH (۲۰۰۶ CE).

۳۵. Noori, Abdulhamid; Sadeqian, Ahmad; Yazdi, Mohammad Javad Kuchak, *Rahkarhay-e Ilmi Raf'e Ekhtelaf-e Qira'at (Scientific Solutions to Resolve the Differences in Recitations)*, Dofeleaname-ye Elmie Motale'at-e Qira'at-e Quran (Biannual Quarterly on Quranic Recitations), No. ۱۳, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۳۶. Nuwawi, Yahya bin Sharaf, *Al-Majmu' Sharh al-Muhadhdhab (Collection of the Commentary of Refinement)*, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
۳۷. Raghīb Isfahani, Hossein, *Al-Mufradat fi Ghareeb al-Quran (Vocabulary in the Peculiarities of the Quran)*, Beirut: Dar al-Shamiyyah, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۳۸. Reza'i Esfahani, Mohammad Ali, *Mantiq-e Tafsir-e Quran 1 (Logic of Quranic Exegesis 1)*, Qom: Al-Mustafa International University, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۳۹. Sarakhsi, Abu Bakr Mohammad bin Ahmad, *Usul al-Sarakhsi (Principles of Sarakhsi)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, ۱۴۱۸ AH (۱۹۹۷ CE).
۴۰. Suyuti, Jalal al-Din Abdul Rahman, *Bughiyat al-Wu'at fi Tabqat al-Lughawiyin wa al-Nahhawiyin (The Residue of the Appeals in the Categories of Linguists and Grammarians)*, Syria: Matba'ah Isa al-Babi al-Halabi and Partners, ۱۹۶۴ CE.
۴۱. Tabari, Mohammad bin Jarir, *Jami' al-Bayan fi Ta'wil al-Quran (The Comprehensive Exposition of the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۲۰۰۴ CE.
۴۲. Tabatabai, Sayyid Mohammad Hossein, *Quran dar Islam (Quran in Islam)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۲nd Edition, ۱۳۵۳ SH (۱۹۷۴ CE).
۴۳. Tabrisi, Fadl bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Gathering of Clarifications in Quranic Exegesis)*, Tehran: Naser Khosrow, ۲nd Edition, ۱۳۷۰ SH (۱۹۹۱ CE).
۴۴. Tha'labi Nishaburi, Ahmad bin Ibrahim, *Al-Kashf wa al-Bayan an Tafsir al-Quran (The Disclosure and Explanation of Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۲ AH (۲۰۰۱ CE).
۴۵. Tusi, Mohammad bin al-Hassan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (The Elucidation in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, n.d.
۴۶. Zarkashi, Mohammad bin Abdullah, *Al-Burhan fi Ulum al-Quran (The Proof in the Sciences of the Quran)*, Cairo: Dar Ihya' al-Kutub al-Arabiyyah, ۱۹۵۷ CE.
۴۷. Zarqani, Mohammad Abdul Azim, *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (Springs of Knowledge in the Sciences of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۴th Edition, ۱۴۲۴ AH (۲۰۰۳ CE).
۴۸. Zawqi, Amir, Milak-haye Tarjih-e Qira'at va Tose'eh An (The Criteria of Preference in the Recitations and Its Development), Tehran: Imam Sadiq University, ۱۳۹۶ SH (۲۰۱۷ CE).
۴۹. Haji-Ismaeli, Mohammadreza, "Gustaraye Jughrafiyae Tairkhi Qira'at dar Jahan Islam (Geographical Scope of Historical Recitations in the Islamic World)", *Quranic Recitation Studies (Qira'at Pezhoohee)*, Year ۲, Issue ۲, Spring and Summer ۱۳۹۳ SH (۲۰۱۴ CE).
۵۰. Nourdi, Abdulhamid; Sadiqian, Ahmad; Yazdi, Mohammad Javad Koochak, "Rahkarhaye Ilmi Raf' Ikhtilaf Qira'at (Scientific Solutions of Resolving Recitation Differences)", *Scientific Journal of Quranic Recitation Studies*, Issue ۱۳, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).